

شواهد تازه از ردپای موساد در حملات 11 سپتامبر



به گزارش فارس، هفته‌نامه "آمریکن فری پرس" در شماره این هفته خود به مقاله‌ای اشاره می‌کند که در شماره 19 فوریه روزنامه "نیویورک تایمز" فاش شد و در آن آمده بود عرب لبنانی که به اتهام 25 سال جاسوسی برای اسرائیل در لبنان در حبس به سر می‌برد، پسرعموی یکی از هواپیماربابان اصلی است که حملات 11 سپتامبر را ترتیب دادند.

نیویورک تایمز در این شماره خود نوشت که اگر چه "علی الجراح" خود را در ملاء عام یک طرفدار سرسخت نهضت فلسطینیان نشان می‌داد اما اکنون مشخص شده که وی در واقع بیش از دو دهه، مامور مزدور موساد بوده و به ملت خود خیانت کرده و در عین حال عملیات متعدد جاسوسی علیه گروه‌های فلسطینی و حزب‌الله لبنان اجرا نموده است.

با این حال نیویورک تایمز در گزارش خود اینگونه مطرح می‌کند که یکی از پسرعموهای جراح، "زیاد الجراح" جزو 19 تن از هواپیماربابان در واقعه یازده سپتامبر بود. این روزنامه در عین حال تلاش می‌کند که مطرح کند این دو مرد 20 سال با یکدیگر اختلاف سنی داشتند و "به نظر نمی‌رسد که همدیگر را خیلی خوب می‌شناختند". آمریکن فری پرس در ادامه تأکید می‌کند پیشنهاد دور از ذهن تایمز مبنی بر اینکه این دو عموزاده "به نظر نمی‌رسد که همدیگر را خیلی خوب می‌شناختند، نوعی فریبکاری است، چرا که به تازگی مشخص شده این دو یکدیگر را می‌شناختند و این درست مطابق حرف کسانی است که می‌گویند عموزاده بزرگتر، به احتمال زیاد پسرعموی کوچکتر از خود را به عنوان مامور سازمان اطلاعاتی اسرائیل جذب کرده است.

موضع محتاطانه تایمز به هیچ عنوان تعجب‌آور نیست، چرا که بنا بر شواهد موجود، روزنامه نیویورک تایمز از این حقیقت که بسیاری از منابع خبری از جمله هفته‌نامه آمریکن فری پرس اعلام می‌کنند توطئه 11 سپتامبر توسط سرویس اطلاعاتی اسرائیل رصد شده بود - اگر نگویم کاملاً بوسیله سرویس اطلاعاتی اسرائیل کنترل می‌شد- خوشنود نبود.

این هفته نامه در ادامه گزارش، مورد مذکور را به دیگر متهمان 11 سپتامبر تعمیم می‌دهد و می‌نویسد: "اگر الجراح جوان، حقیقتاً یک مهره اسرائیلی در توطئه 11 سپتامبر بود، پس در اینصورت این اولین باری نیست که یک عرب مسلمان در نقش یک مامور موساد در حمله به مرکز تجارت جهانی دست دارد." در این گزارش با ذکر سوابق تاریخی این عملکرد موساد آمده است که در 3 آگوست 1993، نیز "رابرت فرایدمن" خبرنگار هفته نامه "صدای روستا" گزارش داد فردی به نام "احمد عجاج"، یک فلسطینی 27 ساله از کرانه باختری که به اتهام دست داشتن در توطئه حمله اول به مرکز تجارت جهانی در سال 1993 در بازداشت پلیس ایالتی به سر می‌برد، به احتمال زیاد یک جاسوس دوجانبه موساد بوده است.

عجاج در تاریخ یک سپتامبر 1992 در فرودگاه "کندي" درست پس از ورودش با یک پرواز بین المللی پاکستانی از پیشاور بازداشت شد. وی یک جزوه راهنمای ساخت بمب و یک گذرنامه تقلبی سوئدی با خود داشت. پس از آن عجاج زندانی شد و متعاقب آن به دلیل ورود غیرقانونی به کشور مجرم شناخته شد. مسافر همراه عجاج یک عراقی به نام "رمزی احمد یوسف" بود که به گفته منابع پلیسی قضایی "بازیگر کلیدی" در بمبگذاری اول در مرکز تجارت جهانی بود. باید به این نکته توجه داشت که این عجاج بود که منبع "جزوه راهنمای تروریستی القاعده" بود، جزوه‌ای که پس از حملات دوم به مرکز تجارت جهانی در 11 سپتامبر شدیداً مورد توجه پلیس فدرال آمریکا (اف بی آی) قرار گرفت.

بعلاوه، همکار عجاج، رمزی یوسف، خواهرزاده "خالد شیخ محمد" یعنی کسی که به گفته دولت آمریکا مغز متفکر حملات 11 سپتامبر بود از این بابت، این نکته حائز اهمیت است که برای سال‌های سال حتی قبل از اولین حمله به مرکز تجارت جهانی، بسیاری از چهره‌ها در محافل اسلامی بر این باور بودند که محمد و یوسف از مهره‌های مخفی اسرائیل هستند.

اگر چه پلیس فدرال آمریکا عجاج را به عنوان یک تروریست ارشد شناسایی کرده که دارای کانال‌های ارتباطی با حماس (جنبش مقاومت اسلامی فلسطین) است، اما "کل هابر"، یک هفته نامه عبری زبان چاپ بیت المقدس فاش کرد که عجاج هرگز در فعالیتهای مربوط به انتفاضه، حماس یا حتی سازمان آزادیبخش فلسطینی دست نداشته است.

طبق گفته کل هابر، عجاج در واقع فقط یک جاعل دون پایه بود که در سال 1988 به جرم جعل دلار آمریکا در شرق بیت‌المقدس بازداشت شد. عجاج به جرم ارتکاب جرم جعل به دو سال و نیم زندان محکوم شد.

فرایدمن در نشریه صدای روستا اینگونه ادامه می‌دهد: "طبق گفته منابع اطلاعاتی اسرائیل، در همان دوران زندان بود که موساد وی را جذب کرد. در زمان آزادی در حالی که تنها یک سال از دوران محکومیت خود را گذرانده بود، از قرار معلوم عجاج دیگر آن عجاج پیشین نبود، در وی تغییرات بنیادین ایجاد شده بود. فرایدمن گزارش می‌کند که عجاج ناگهان یک مسلمان مذهبی و یک ناسیونالیست متعصب شد. سپس این طور تصور می‌شود که عجاج به جرم قاچاق سلاح به داخل نوار غزه برای گروه فتح بازداشت شد.

اما فرایدمن ادعان می‌کند که این جز یک عملیات ساختگی، چیزی بیش نبود. منابع فرایدمن در سرویس اطلاعاتی اسرائیل می‌گویند که این بازداشت و متعاقب آن تبعید عجاج تنها یک صحنه‌سازی از طرف موساد بود تا عجاج بتواند اعتبار خود را به عنوان یک فعال انتفاضه کسب کند.

ظاهراً موساد عجاج را مامور نفوذ در گروه‌های فلسطینی خارج از اسرائیل نمود. منابع اطلاعاتی اسرائیلی می‌گویند که موساد معمولاً از بزهکاران معمولی عضوگیری نمی‌کند و مورد عجاج کاملاً غیرمعمول است. پس از اخراج عجاج از اسرائیل، وی به پاکستان رفته و در گروه مجاهدین افغانی ضد شوروی مشغول فعالیت شد.

این نشان دهنده این است که عجاج برای موساد کار می‌کرد (طبق بولتن اطلاعاتی عملیات پنهان - سپتامبر 1987). برای ایجاد خطوط تأمین مالی و تدارکات برای مجاهدین که نه تنها دومین عملیات پنهانی در تاریخ سیا بود بلکه طبق گفته مامور عملیاتی سابق موساد "ویکتور استروسکی" در کتاب "روی دیگر نیرنگ" این عملیاتها تحت هدایت و نظارت مستقیم موساد صورت می‌گرفت.

استروسکی می‌نویسد: آن یک کانال بسیار پیچیده بود، چرا که قسمت اعظم سلاح‌های مجاهدین ساخت آمریکا بودند و مستقیماً از اسرائیل به مجاهدین انتقال داده

می‌شد و از حاملان بادیه‌نشین که مناطق غیرنظامی صحرای سینا را در می‌نوردیدند، استفاده می‌شد. بعد از معاملات عجاج با مجاهدین، وی در نیویورک ظاهر شد و اقدام به برقراری طرح دوستی با محفل کوچکی به نام "رادیكال" کرد که به دور "شیخ عبدالرحمان" نابینا حلقه زده بودند. عبدالرحمان متهم به این است که طراح اصلی و مغز متفکر بمبگذاری مرکز تجارت جهانی است. در 26 فوریه 1993، روز بمبگذاری مرکز تجارت جهانی، عجاج در زندان فدرال دوران محکومیت شش ماهه خود را به اتهام ورود به کشور با يك گذرنامه جعلی، پشت سر می‌گذاشت. پس از آن، وی به دلیل دست داشتن در توطئه بمبگذاری مرکز تجارت جهانی تحت تعقیب قرار گرفت. به گفته رابرت فرایدمن، اگر عجاج توسط موساد جذب شده بود، مشخص نیست که آیا وی پس از اخراج از اسرائیل به همکاری خود برای آژانس جاسوسی اسرائیل ادامه داد یا نه. يك احتمال این است که پس از ترك اسرائیل و در حین ملاقات با مسلمانان رادیكال نزدیک به شیخ مصری نابینا، وفاداری وی تغییر کرد. به هر حال، فرایدمن احتمال هولناك دیگری را نیز مطرح می‌کند. سناریوی دیگر این است که وی پیشاپیش اطلاعاتی از بمبگذاری مرکز تجارت جهانی داشته و آنها را به موساد نیز منتقل کرده و موساد به هر دلیلی این اسرار را نزد خود نگه داشته است. اگر این مطلب درست باشد، منابع اطلاعاتی آمریکا اینطور تصور می‌کنند که موساد ممکن است تصمیم گرفته باشد تا از اطلاعات به شدت حساس کند تا مبدا مامور مخفی خود در خطر لو رفتن قرار گیرد.